

مخاطب شناسی کلام وحی

در نوید

حمیت

غلامرضا کرباسچی

دین باوران هم همانند همه نیک اندیشان جهان در آرزوی دیدار کسی هستند که دادگری، بالندگی و بهروزی برایشان به ارمغان آورد، فریاد ستم دیدگان و ناله دردمندان را پاسخی دل نشین در سخن و کردار بیافریند.

اما برآورده شدن این آرزوی امید بخش چگونه به انجام خواهد رسید؟ پاسخ های گوناگون به این پرسش داده شده و گفت و گوهایی بسیار درباره آن، امید و آرزوها را گاه در دل ها کاهش و یا افزایش داده است.

کلام وحی نوید بخش پیروزی دین باوران

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض...» (النور، ۲۴/۵۵)؛
مژده داده است خداوند به دین باورانی از شما که کردار نیک داشته باشند، جای نشین گرداندشان در زمین.

نکته مهم و آغازین کلام وحی مژده ای است که به یک گروه خاص داده شده، «دین باورانی که کردار نیک داشته باشند»، پیام نوید بخش می گوید که آنها قدرت را به دست می گیرند و جانشین فرمانروایی بر گستره زمین می شوند، «دین باوری» و «کردار نیک» دو شرط اساسی برای کسانی است که قرار است بر جایگاه حکومت جهانی تکیه زنند، جایگاهی که کشمکش های پدیده و سختی برای به دست آوردنش رخ داده است، اما چگونه؟ با کدام ارتش، سلاح و توان رزمی آنها خواهند توانست به این جایگاه دست یابند؟ آیا قرار بر این است که آنها به سلاح مافوق مدرنی دست یابند که با آن بتوانند همه موانع را از سر راه بردارند و همه قدرت ها را خلع سلاح کنند؟ آیا

آن تکنیک و سلاح پیشرفته چگونه به دست دین باوران خواهد رسید؟ آیا از فراسوی تمدن زمینی - تمدن ناشناخته کرات آسمانی در دور دست ها - کسانی با نیروهای فرازمینی به کمک آنها خواهند آمد؟ گروهی بر این باورند که دین باوران با همان توان رزمی عادی خودشان به این پیروزی دست خواهند یافت، و نمونه مثال زدنی آن را پیروزی بهمن ۵۷ انقلاب اسلامی ایران در نگاه می آورند! - دست یافتن مردم ایران به پیروزی در برابر نیروهایی که از پشتیبانی تسلیحاتی و سیاسی اردوگاه شرق و غرب برخوردار بودند و پیروزی بر حکومتی که به عنوان نیرومندترین رژیم منطقه به شمار می رفت! - آیا چنین اتفاقی در ابعاد وسیع تر به گستردگی فرمانروایی کل جهان روی خواهد داد؟ یا آنکه خداوند قادر متعال که تا واپسین روز حاکمیت جباران، بر سنت پایدار «سبب محوری» و سیر کنش و واکنش طبیعی پای فشرده و در کلام وحی می فرموده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بَأَنفُسِهِمْ» (الرعد، ۱۱/۱۳)؛ «خداوند آنچه را که قومی در خود دارند دگرگون نمی سازد تا آنگاه که آنچه را در درون خود دارند، دگرگون سازند». ناگهان دست از سنت سبب سازی همیشگی خود بردارد و با اعجاز و قدرت نمایی، «جانشینی» دین باوران نیک کردار «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (النور، ۵۵/۲۴) را فراهم آورد!

نویدهای قرآنی در موضوع موعود گرایی

بررسی نویدهای قرآنی در موضوع موعود گرایی در سه آیه سوره «النور» و «الانبیاء» و «القصص» و بازخوانی و مقایسه واژه ها و عبارات به کار رفته در هر یک از آنها نکته ها و مفاهیم تازه ای را بر ما آشکار می کند، در باره «لَيْسَ تَخْلَفْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ» (النور، ۵۵/۲۴)؛ «پرثها» (الانبیاء، ۲۱/۱۰۵)؛ «نَجْعَلُهُمْ آئِمَّةً» و «نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ» (القصص، ۵/۲۸)، جانشینی، پیشوایی و وراثت زمین سخنان بسیاری گفته شده و هر یک از این واژه ها موضوعات بحث انگیز این گونه آیات به شمار می روند.

اما موضوع دیگر در آیات نوید بخش، مخاطبان آیات است، کسانی که خداوند عزیز متعال آنها را برای جانشینی، پیشوایی و وراثت زمین در نگاه آورده، چه ویژگی هایی دارند؟ نکته بسیار اساسی و حساس در این آیه ها همین بخش است، آیا از میلیاردها میلیارد شهر وند کره زمین کدام ویژگی می تواند بشر را شایسته جانشینی و وراثت زمین کند؟ اینجاست که آیات موعود گرایی چهره دریافت کنندگان پیام نجات بخشی را آشکار می کند، در دو آیه تا اندازه ای متفاوت، دو دسته از انسان ها، مخاطب هستند، در یک آیه، مخاطب وراثت زمین کسانی هستند که «فرو دست» و «مستضعف» به شمار می روند، کسانی که زورمداران آنان را در زنجیر استعمار، استحمار، استکبار، استثمار و استضعاف در بند کشیده اند و خداوند منان بر آنان منت می نهد که زنجیر «وابستگی» و «زبون ساز» زورمداران را از دست و پایشان بگسلد و آنان را جانشین و پیشوای زمین سازد، نمونه ای از این گونه جامعه و ستم زدگی «مستضعفان» آن، حاکمیت فرعون و قوم موسی است که با آیه «و نريد ان نمّن علی الذین

استضعفوا فی الارض...» (القصص، ۵/۲۸) در کلام وحی بیان شده است .

اما آیه دیگری که مخاطبان ویژه ای دارد، آیه ۵۵ سوره نور است، در این آیه مخاطب نوید خداوندی، آدم های ویژه ای هستند، آدم هایی که نمونه آنها را به سادگی نمی توان یافت و نکته حساس در نوید بخشی اساسی و ریشه ای قرآن در همین ویژگی نهفته است، «الذین آمنوا و عملوا الصالحات»، مخاطبان ویژه این نوید هستند، این گروه از مخاطبان در آیات «نوید دهنده جانشینی»، بسیار ویژه، بلند مرتبه و اندک هستند، اگر در کلام وحی ژرف بنگریم و در واژه های آن بیشتر درنگ کنیم خواهیم یافت که چهارچوب سازنده این گونه شخصیت در قرآن کریم - که قرار است «استخلاف ارض» به او سپرده شود - چنان با ساختار محورهای «دین باوری» و «کردار درست» «آمنوا و عملوا الصالحات» در هم می آمیزند که به سادگی نمی توان در بین شهروندان زمینی نمونه ای از آن را یافت، نگاه و برداشت از دین باوری و معنای ژرف آن در کلام وحی چنین آمده است، در جایی به مدعیان دین باوری هشدار داده که شما هنوز نمی توانید بگویید «دین باوریم» چون هنوز «دین باوری» در دل هایتان جایگاهی ندارد و در آیات دیگر ویژگی دین باوران را برشمرده و فرموده است: «الذین هم فی صلاتهم خاشعون* والذین هم عن اللغو معرون* والذین هم للزکاة فاعلون* والذین هم لفر وجهم حافظون* إلا علی أرواجهم أوما ملکتم ایمانهم فإنهم غیر ملومین* فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون* والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون* والذین هم علی صلواتهم یحافظون* اولئک هم الوارثون* الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون» (المؤمنون، ۲۳/۱۱-۱۲)؛ کسانی که در نمازهایشان خاشع اند، زکاة را پردازنده و پاک دامنی شان را نگهدارند، کسانی که پای بندند به امانت ها و پیمان هایشان اند، آنان که حفاظت ویژه دارند بر نمازشان، آنان همان میراث بران اند، کسانی که فردوس را به ارث برند و در آن ماندگارند .

و اما شالوده دیگر شخصیت و نماد چهره این مخاطبان و ویژه «عملوا الصالحات» است، «کردار نیک» را در نگاه قرآن نمی توان به هر کاری کردی گفت، بسیاری از «اعمال»، دوزنمای دل انگیزی دارند؛ اما چون گام به سوی آن برداریم و به تعبیر آن قرآن را از نزدیک در نگاه آوریم درمی یابیم که همانند «سراب» اند، از دور همانند برکه ای مواج می نمایند و از نگاهی دست یافتنی تر، تنها بیابان خشکی هستند، که هیچ تشنه راه پیموده ای را سیراب نمی کنند!^۲

و بسیاری از اعمال با دوری از خلوص، یگانه پرستی و باور راستین خدایی، آلوده به شرک، خودنمایی و ناباوری است و با مهر باطله «حبط» - سقوط و بطلان - را از دایره کارهای شایسته بیرون افکنده اند .^۳

با این نگاه قرآنی به ساختار شخصیت و چهره شایستگان جانشینی «استخلاف» در گستره زمین - که وعده های نوید بخش امکانات و امنیت به آنها داده شده - آن حکایت و شعر معروف

در خاطرم آن می آید که :

دی شیخ با چراغ همی گشت دور شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتا که یافت می نشود گشته ایم ما! گفت آنچه یافت می نشود آنم آرزوست!
و این پرسش در نگاه می نشیند که آیا امید به یافتن انسان یا انسان‌هایی که در جایگاه «آمنوا و عملوا الصالحات» قرار گیرند و مخاطب وعده خداوندی باشند تا چه اندازه بسیار است؟ اگر تنها یک نفر در این جایگاه بتوان یافت می توان امیدوار بود که همانند او هم در گستره پهنای زمین یافت شوند و آرزوی بشر در برآورده شدن وعده الهی عینیت یابد.

اینجاست که به جایگاه و بار مثبت انتظار دست می یابیم، برخلاف فرضیه‌ای که می گوید در «عصر غیبت» باید هر چه بیشتر در فاسد کردن زمین و زمانه بکوشیم تا همان روزگاری که «زمین پر از ظلم و جور است» تحقق یابد، و وعده حق بر ظهور قائم عملی گردد؟!

در تفسیر و معنای آیه ۵۵ سوره نور به این دیدگاه می رسیم که باید همه شهروندان کره خاکی بکوشند تا انسان‌های «دین باور درست کردار» آن گونه که در کلام وحی آمده است در اندازه و شمار کافی پای بر عرضه هستی نهند و یا در راه دین باوری و درست کرداری درآیند تا وعده حق تحقق یابد، پیام انتظار آفرین این آیه به بشری که در آرزوی درآغوش گرفتن نجات بخش و در آرزوی جانشینی حاکمیت قسط، عدل، داد و همه آرمان‌های خدایی و انسانی بر روی زمین است، این جمله است، که: اگر می خواهید چنین شود و به آرزوی دیرین تان دست یابید، راه کارهایی فراهم آورید، راه و رسم و شیوه‌ای از زندگی و رفتار و کردار را برنامه ریزی کنید که انسان‌های دین باور و درست کردار «آمنوا و عملوا الصالحات»، بر روی زمین دست یافتنی و فراوان شوند تا خداوند قادر متعال وعده خود را یعنی: استخلاف صالحان بر روی زمین برآورده سازد.

و سخن درست این است که خداوند رحمان نخواست است تا با سر پنجه نیرومند خدایی دست به اعجاز زند و دستی از غیب برون آید و کاری بکند - بلکه با همین امکانات، با همین مردم، با همین خرد و توانایی و دانش بشری، دین باوری و خواست مردم می تواند آمادگی اصلاح و اصلاح گرایی را فراهم آورد تا به جانشین شدن صالحان در زمین به انجامد، إن شاء الله . ه

۱. الحجرات، ۱۴/۴۹: «بادیه نشینان گفتند: ایمان آورده ایم، بگو هنوز ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید: مسلمان شده ایم، و هنوز دین باوری در دل هایتان جای نگرفته است.
۲. النور، ۳۹/۲۴: کارهایشان همانند سرابی است در بیابان که تشنه گمان می برد، آن آب است.
۳. بسیاری از اعمال با واژه «حبط» «تحبط» «احبط» و «سیحط» در سوره آیه های ۵ مائده؛ ۸۸ انعام؛ ۱۶ هود؛ ۱۷ بقره؛ ۲۲؛ آل عمران؛ ۵۳ مائده؛ ۱۴۷ اعراف؛ ۱۷ توبه؛ ۶۹ توبه؛ ۱۰۵؛ کف؛ ۲ حجرات؛ ۶۵ زمر، ۱۹ احزاب و ۳۲ و ۹ و ۲۸ محمد، آمده است، به اعمالی گفته می شود که با همه انبوهی و پرشماری نزد پروردگار بی ارزش به شمار می آیند.